

نمره ۲

۱۳ جنواری رفت - ۱۹۱۶ مسیحی

درباب مازندران

غره ماه جنواری خیر رسید اسمعیل خان امیر مؤید سواد کوهی و کیل مجلس شورای ملی به سواد کوه آمده مشغول جمع آوری سرباز و سوار می باشند. ضمناً روسها از خیال مشارالیه با خیر شده يك عده قزاق از بار فروش بدانجا گسیل داشته اند. تا چه اقتضا کند.

درباب نواقل بندر جز

پنجم ماه مذکور خبر رسید مفتش نواقل بندر جز را اگنط قوسولگری حبس می نماید. کار گذاری استرآباد به سید محمد خان کار گذار بندر تلگراف نموده مفتش مذکور را از حبس اگنط روس نجات دادند.

درباب عزل حکومت

حاج فخر الملك در این مدت سه ماهه استرآباد آمده به سبب نخوت و گرفتن وجه رشوه و پس فطرتی پسرش و بی کفایتی انتظام الملك حکیم که نایب الحکومه بوده تمام استرآبادی رنجش نموده میرزا علی اکبر خان ایروانی به سپهدار اعظم شاکمی شده و ضمناً بی میلی روسها باعث شده مشارالیه را معزول [کرده]، ضیاء الدوله که حاکم سمنان بود برای حکومت استرآباد تصویب شده سی رأس مال بنه برای حرکت حاج فخر الملك به توسط محمد باقر خان امیر اکرم نایب الحکومه امر شده. این دو روزه از راه شاهرود عزیمت به طهران می نمایند.

درباب اقدامات

قونسول روس چند روز است به جعفر بائی رفته برای هر طایفه يك نفر پیر مردی قرارداد امور خودشان را رسیدگی نمایند. از آنجا بندر جز می روند، کارهای اگنط را رسیدگی کرده، یوم دوازدهم ماه جنواری مراجعت نمودند.

درباب ورود مفتش

برادر سردار منصور برای تفتیش پستخانه از راه شاهرود به استرآباد آمده در پستخانه منزل نمودند.

درباب مازندران

ایضاً خبر رسید اعتضادالسلطنه حکمران، محالات مازندران را امنیت فوق العاده داده است. به قرب سی نفر سارق دستگیر، بعضی راتیرباران کرده و برخی را در حبس خفه نموده و چند نفر را هم سربریده. کمال امتنان را اهالی از حکومت نوابوالادارانند.

درباب سرقت

شب سیزدهم ماه مذکور دزد طایفه اتابائی چهارگاو از قریه جعفرآباد نیم فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

نمره ۳

۴۴ جنواری رفت - ۱۹۱۶

درباب حاکم سابق

روز چهاردهم ماه جنواری حاج فخرالملک حاکم معزول به قرب هزار و پانصد تومان وجوه تعارفی که از سلطان العلماء برای سنگدوین گرفته بود به انضمام بعضی پولهای رشوه را مسترد نموده از راه شاهرود عزیمت به طهران نموده، برای ترس از استرآبادیها يك نفر غلام قونسول روسی همراه معظم‌الیه به شاهرود می‌رود.

درباب يك نفر اسیر

اگنط روسی مقیم شاهرود يك نفر جوان عثمانی را دستگیر کرده به استرآباد می‌فرستد. رئیس قشون روس فوراً شخص اسیر را به روسیه فرستاده حبس نمایند.

درباب سرقت

شب هفدهم ماه مذکور دزد طایفه ترکمان به شهر آمده سه چهار نقطه را دستبردی زده، يك رأس مادیان از منزل شیخ رضا سلطان العلماء می‌برند. دو رأس گاو از عباسقلی نام سفال‌پز و جزئی اجناس از خانه پیرزنی سرقت [کرده] و يك رأس مال هم سرآسیا بیرون دروازه گرفته رفتند.

درباب گنبد قابوس

محمودآقا سرهنگ قزاق بعد از خرابی و چاپیدن طوایف یموت و غیره که معزول

شده بود مجدداً به تصویب سپهدار و میل روسها مراجعت به گنبد قابوس کرده اظهارداشت دولت امر ونهی محالات کتول را بافندرسک به من واگذار کرده است. لکن سر کرده های استرآباد از مراجعت محمود آقا دلتنگ [اند] و تلگرافاً به وزیر داخله شکایت می نمایند.

در باب بندر جز

قبل از ورود حاج فخرالملک به استرآباد میرزاتقی خان ضیاء الممالک که اهل سمنان است به حکومت بندر جز فرستاده شده بود. در این موقع به مشورت سر کرده های استرآباد امیراکرم مشارالیه را معزول [کرده] مجدداً حسن خان هژبرالسلطان^{۴۵۸} را به حکومت بندر جز برقرار نموده عازمند.

در باب حاکم جدید

به عرض رسانیده بود ضیاءالدوله به حکومت استرآباد تصویب شده است. از طهران محرمانه به سر کرده های استرآباد راپرت داده شد که سپهدار لجاجت با استرآبادیها حکومت ورئیس مالیه را با محمودخان از طرف خود فرستاده، يك صدمه عمده به استرآبادی وارد نماید که تماماً تسلیم شده استرآباد را در جزو تنکابن محسوب داشته بکلی در تصرف دولت روس داده باشد. سر کرده ها با تجار در منزل امیراکرم انجمن نموده عموماً معاهده سختی نمودند جداً با سپهدار در این باب مذاکره نمایند. تلگراف اول مقصود ایشان به نیامدن ضیاءالدوله و حکومت برای امیراکرم خواهش نمودند. سپهدار در جواب تلگراف گفته بود ضیاءالدوله از راه رشت حرکت نموده دولت اینگونه حرفهای مفت را قبول نمی کند. مجدداً عموم علمای شهر و تجار و کسبه تلگراف مفصلی به سپهدار ورئیس الوزرا نمودند ضیاءالدوله را نمی خواهیم. هرآینه دولت او را بفرستد به خود راه نمی دهیم و تلگراف مزبور را هم باقونسول روس مشورت کرده به ظاهر قونسول با خیالات ایشان همراه است. فقط می گویند محمدباقرخان امیراکرم را به حکومت می خواهیم، هرآینه ضیاءالدوله را بفرستند برای نزاع و دفاع حاضر شده اند و معابر استرآباد را هم قراول گذارده به اهالی لیوان و نوکنده قدغن کرده اند در بندر مواظبت نمایند مشارالیه وارد نشود. مجدداً سپهدار در جواب تلگراف استرآبادیها مخابره کرده است استرآبادی پیراهن تن من است، چنانچه انقلابات ایران را شنیده اید راضی نشوید استرآباد هم دچار بعضی اشکالات و گرفتاری بشود. ایضاً تلگراف سختی در جواب سپهدار مخابره نمودند. چنانکه استرآبادی پیراهن تن شما می باشند شما هم نباید راضی به اذیت استرآبادی بشوید و عرایض حقه ما را نپذیرید. حال خودتان باعث انقلاب و خرابی استرآباد می باشید. باز هم عرض می کنیم امیراکرم را به حکومت می خواهیم و غیر ایشان کسی را هم به خود راه نخواهیم داد. تا چه اقتضا کند.

نمره ۴۵

۷ ماه فرواری رفت - ۱۹۱۶

درباب سرقت

بیست و ششم ماه جنواری سه نفر رامیانی یك نفر عباس نام ولیك آبادی در گرمابدشت يك جعبه تریاك مال تاجر شاهرودی را از مکاری چپاول کرده بردند. بعد از دوروز عباس نام دستگیر شده چند لوله تریاك را از او گرفتند. در حبس است. سه نفر رامیانی رفیق اورا امیراکرم از مهدی خان ایلخانی خواسته به شهر بفرستند.

درباب تلگراف

ایضاً استرابادی تلگرافی به امنای دولت نموده هزار و شصت تومان ماهی حقوق و تأدیه حکومت استراباد است، هزار تومان را به دولت تقدیم می‌کنم و تمام مخارج و زحمات سرحدی را متعهد شده حکومت را به محمدباقر امیراکرم ۴۰۹ واگذار کنید. جواب نرسیده.

درباب سرقت

بیست و هشتم ماه مذکور یك نفر مکاری در شهر عارض شده به تحریك رعایای سرتاق شش فرسخی مغربی یك رأس مال من را به سرقت برده‌اند.

درباب تلگراف

ایضاً خوانین و تجار استرابادی عموماً تلگرافی به سپهدار و به ریاست وزراء نموده‌اند محمود آقاخان سرهنگ را به مأموریت گنبد قابوس فرستاده، مقصود اولیای دولت ضدیت با استرابادی بوده است. سال قبل با همه تقلبات مشارالیه اورا احضار کردید. به چه علت مراجعت کرده است. هر آینه اورا احضار نکنند جداً اهالی استراباد برای اشکالات سرحدی اورا به خود راه نخواهند داد. از قرار خبر افواهی اعتصام الممالک کار گذار سابق را به مأموریت گنبد قابوس روانه نموده‌اند.

درباب تلگراف

ایضاً غلامحسین خان سردار افخم مکتوباً به آقاسید جمال مجتهد نوشته بودند دولت می‌خواهد حکومت را به من واگذار نماید. استرابادیه‌ها تلگراف سختی به اولیای دولت می‌نمایند. در صورتیکه سردار افخم دو سال حاکم استراباد بوده و اورا خوب می‌شناسیم فرستادن سردار افخم ثمری نخواهد بخشید. حکومت محلی از خود داریم، یا قبول نمائید

یا حاکم غیر بفرستید. تاچه شود.

درباب انقلاب هوا

زمستان امسال تا چند روز قبل خیلی ملایم بود. لکن غره فرواری برف جزئی آمد. فوری صدمه به گوسفند وارد نموده بعد از دوسه روز رفع کولاک شده هوامانند بهار و خیلی معتدل است.

درباب معزولی

عباسقلی خان رئیس قشون بعد از ورود محمود آقاخان سرهنگ معزول [شده] يك هفته دیگر عزیمت به طهران می نمایند.

درباب رئیس مالیه

میرزا عبدالله خان رئیس مالیه را خزانداری به مأموریت سبزوار برقرار کرد. يك نفر مسیحی را که امیرخان نام است به ریاست مالیه استرآباد مأمور کرده. چهارم ماه فرواری از راه ساری وارد شدند.

درباب سرقت

شب ششم ماه مذکور دزد ترکمان دوبات خانه در شهر شکافته، قدری مس با دو رأس گاو سرقت کرده بردند.

نمره ۵

۲۱ ماه فرواری رفت - ۱۹۱۶

درباب جواب تلگراف

هشتم ماه فرواری سپهدار اعظم تلگرافی به امیراکرم نمودند که عمل حکومت شما ختم شد، منتظر تلگراف وزیر داخله باشید، وجه را برسانید. معادل پنج هزار تومان برای سپهدار و پیشکار وزیر داخله به عنوان تقدیمی حواله تلگرافی دادند و هزار تومان هم حقوق حکومتی را به اولیای دولت تقدیم نموده حاکم استرآباد باشند. تاچه اقتضا کند.

درباب آژان

روز هشتم ماه فرواری چهارده نفر آژان پیاده از شاهرود به استرآباد وارد [شدند]. مستخدم اداره حکومتی می باشند.

درباب کردمحل

به سبب ظلم و ستمی که حیدرقلی خان مسعودالسلطان به اهالی کردمحل وارد کرده است، قریه مذکور دوهزار خانوار است چهارفرسخی مغربی واقع، محمدقلی خان سرتیپ را که چند سال از نوکری خلع کرده بودند، اهالی کردمحل به کلاتری پذیرفته^{۴۱۰}، دویست نفر تفنگچی جلوخیابان را قراول گذاشته هرآینه از طرف حکومت کسی برود به خود راه ندهند. تاجه شود.

درباب تلگراف

به عرض رفته بود امیراکرم هژبرالسلطان را به حکومت بندر جز فرستاده وزیر داخله تلگراف می نماید، ضیاءالممالک از طرف دولت رسماً حاکم بندر بوده شما چه علت دارد حاکم رسمی را معزول می کنید.

درباب سرقت

شب نهم ماه فرواری دزد طایفه اتابائی پنج رأس گاو از قریه کریم آباد نیم فرسخی شمالی به سرقت بردند.

درباب خواهش

مدتی است قونسول روس به امورات اتباع داخله تصرفات می کند، باعث تجری ترکمانها شده شب و روز مشغول دزدی می باشند. سرکرده های استراباد از قونسول خواهش می نمایند برای استرداد اموال مسروقه کمک شود. جعفرقلی خان مترجم کموسر به استراباد آمده دو نفر نماینده از طرف نایبالحکومه معین شده به صحرای یموت رفتند. غرامت اموال منهبه را از تراکمه دریافت نمایند.

درباب سرقت

شب پانزدهم ماه مذکور دزد طایفه اتابائی به دستگیری دونفر دزد ولایتی در شهر چهار رأس گاو، معادل پنجاه تومان مس و رخوت زنانه و مردانه راسرقت کرده بردند. مأمورین مذکور چهارنفر ترکمان را بایک نفر ولایتی دستگیر کرده تحت الحفظ به شهر فرستادند و گاوها را از تراکمه مسترد نمودند.

درباب اسب دوانی

ایوانف قونسول سابق دواسب به تازگی خریده است، تهیه اسب دوانی را گرفته. روز نوزدهم فرواری جمعی از خوانین و نایبالحکومه و قونسول و غیره دوفرسخی شمالی که محل اقامت واسب دوانی بود می روند. پذیرائی^{۴۱۱} به عهده امیراکرم بوده چهاردوره

۴۱۰ - اصل: پذیرفته.

۴۱۱ - اصل: پذیرائی.

اسب دوآیندند. دوره اول اسب قونسول جلوآمد. دوره دوم اسب امیراکرم جلورفت. دوره سوم اسب سالاراشرف جلوآمد. دوره چهارم يك اسب قونسول با اسب امیرامجد مطابق آمدند. لاکن پولهای شرطبندی و بیرق تخمیناً یکهزار و یکصد منات بوده تماماً را واگذار بهقونسول نموده. مقارن غروب مراجعت نمودند.

درباب قشون

دویست نفر قزاق روسی که سابقاً به استرآباد مأموریت داشته به همان ترتیب برقرار واکثر مریض و ناخوش [اند] سوزاک و سفلیس هم دارند.

درباب تلگراف

شب بیستم ماه فرواری وزیر داخله تلگراف رسمی به محمدباقرخان امیراکرم نموده که عرایضات استرآباد [را] از لحاظ مبارک اعلیحضرت همایونی گذرانیده حسب الامر مبارک شما به حکومت استرآباد برقرار و حکمرن میباشید. امیراکرم روز بیستم به دیوانخانه رفته يك نفر آسیابان که از بعضی سرقت توی شهر مخبر بوده امرشد دوگوش اورا بریده در بازار گردآیندند.

نمره ۶

۳ ماه مرچ رفت - ۱۹۱۶

درباب قتل

بیست و سیم ماه فرواری خبر رسید يك عدد لتکا ترکمان از خوجه نفس جو حمل بندر جز نموده جورا به مصرف فروش رسانیده مراجعت دربندر سیاه جو که بین بندر جز و قراسو می باشد رفته هیزم حمل نماید. دونفر ترکمان لتکاچی را در آنجا به قتل رسانیده وجه نقد آنچه داشته اخذ و لتکا را به قمر دریاها کرده، قاتل هم معلوم نیست.

درباب ورود

محمدظاهرخان سرتیپ قزاق به ریاست پاترزه نفر قزاق از راه رشت وارد بندر جز به استرآباد آمدند.

درباب ورود

بیست و ششم ماه مذکور اعتصام الممالک کارگذار سابق به ریاست کمیسیون گنبد قابوس مأمور شده ماهی دویست تومان حقوق برقرار نموده عموم صاحب منصب و غیره با ایوانف قونسول معزول يك فرسخ استقبال به احترام رسامه وارد شدند.

درباب ورود

جنرال پاتایف رئیس قشون يك عده قشون روس مأمور قفقاز که مستاجر املاک سپهدار اعظم می باشد به اتفاق چهار نفر صاحب منصب از راه قراسو وارد به منزل میرزا علی اکبرخان ایروانی گردیده و محاسبات دوساله ایشان را رسیدگی نموده سه هفته دیگر مراجعت به روسیه خواهند کرد.

درباب جز

دونفر ترکمان تاجر خیوق برای خرید تفنگ پنج تیره آلمانی با فشنگ متفرقه به استرآباد آمده اظهار داشتند مدتی است تراکمه خیوق و تکه تفنگ را به قیمت گزافی می خرند و حالیه مأمورین روسی را بیرون نموده به همراهی امیربخارا با روسها خیال جنگ دارند. تاچه اقتضا کند.

درباب دعوت

شب غره ماه مرچ قونسول روس باجنرال پاتایف وسایر صاحب منصبان روسی و کارگذاران داخله در دیوانخانه کلاه فرنگی میهمان امیراکرم حاکم استرآباد بودند.

نمره ۷

۹ ماه مرچ رفت - ۱۹۱۶

درباب قتل

سیم ماه مرچ در قریه شمس آباد نه فرسخی مشرقی دونفر رعیت نراع کرده طرف باداس توی سرآن می زند، فوت شده، قاتل را دستگیر و به شهر آورده حبس نمودند. بعد از چند روز [با] مبلغ دو بیست تومان وجه بین ورثه را اصلاح کردند.

درباب قتل

به عرض رفته بود دونفر ترکمان را در بندر سیاه جو زیر حد باغو، شش فرسخی مغربی کشته اند. قاتل ترکمان دونفر از حمالها [ی] سنگری که در بندر جز اقامت داشتند بوده و دستگیر شده در بندر حبس می باشند.

درباب مراجعت جنرال پاتایف

به عرض رفته بود جنرال مذکور به استرآباد آمده برای جنگ در قفقاز در کارهای شخصی تعجیل کرده روز چهارم ماه مذکور به اتفاق چهار نفر صاحب منصب و حیدرقلی خان مسعود السلطان کلاتر کرد محله که او را بیرون کرده بودند همراه خود به کرد محله

می برد. يك عده قزاق روسی مستخدم استرآباد برای مشایعت جنرال تا قریه كفشگیری مشایعت می نمایند و چهار نارنجك ۴۱۲ توی رودخانه كفشگیری برای امتحان آتش داده به تحريك میرزا علی اکبرخان نائینی مترجم قونسلخانه. صبحی به كرده محله خبر می رسد جنرال پاتایف مسعودالسلطان را باخود می آورد جلوگیری نمایند. اگرچه قشون روس از كفشگیری مراجعت کرده بودند و مقصود جنرال بردن مسعودالسلطان را برای اخذ مالیات بوده دو شب را در قراسو توقف [کرده] با پراخوت به روسیه می روند. دو ساعت به غروب نزدیکی كرده محله رسیده چهل نفر اشرار قریه شليك تفنگ کرده بعد مراجعت به كفشگیری نمودند و آسیبی نرسیده. كاغذی سخت به قونسولخانه نوشته قشون با توپ به كرده محله بفرستید. امیراکرم به اتفاق كارگذار به قونسلخانه رفته خواهش نمودند چون جنرال پاتایف ندانسته مسعودالسلطان را باخود برده بودند، برای نخواستن مسعودالسلطان تفنگ زده بودند مربوط به جنرال نبوده است. طرفین قراردادند مطالب راتلگرافا به وزیر مختار یا وزیر خارجه اطلاع داده كسب تكلیف نمایند. تاچه اقتضا كند.

درباب جنرال

مشارالیه روز پنجم از كفشگیری مراجعت به قونسلخانه نموده تلگرافا به طهران واردوی نظامی قفقاز مقدمه را خبر داده روز ششم به قراسو رفته و امورات املاك سپهداری را به رئیس بانك بندر جز و اگذار نموده معاونت در كار میرزا علی اکبرخان ایروانی نمایند.

درباب تعمیر راه

قونسول روس برای حمل آب از ساروخواجه امر نموده پشت بدنه شهر را شوسه نمودند که آب را با «یاشيك» ۴۱۲ وارد قونسلخانه نمایند.

درباب خیابان شوسه

به تصویب قونسول انجمنی از رؤسا و تجار در منزل سالار اشرف منعقد شده به توسط میرزا علی اکبرخان مترجم اظهار شد راه قراسورا تا بندر جز شرکت کرده شوسه نمایند و سی هزار منات در بندر جز داده اند، بیست هزار منات هم استرآبادیها بدهند که راه مذکور تمیز شده گاری و دورشکه به سهولت رفت و آمد نماید. تاچه اقتضا كند.

درباب حكومت

روز هشتم ماه مذکور از طرف كاشف السلطنه معاون وزارت داخله تلگراف رسمی برای امیراکرم رسید که حكومت استرآباد باشما است. فرمان حكومتی به توسط پست فرستاده می شود. تمام ادارات و فرمانفرمایان ایران نواب كاشف السلطنه را به معاونت

۴۱۲- اصل: نارچيك.

۴۱۳- (= بشكه).

نمره ۸۵

۲۳ ماه مرج رفت - ۱۹۱۶

درباب نزاع گمر کچی

یازدهم ماه مذکور از گنبد قابوس خبر رسید گمر کچی برای گمرک مال التجاره با ترکمان سختی کرده با هفت تیر یک نفر ترکمان را میزند. گلوله ۲۱۲ صورت ترکمان را مجروح نموده ترکمانها گمر کچی را میگیرند. زخمی به گردن گمر کچی وارد کرده چوب مفصلی میزنند. محمود آقا سرهنگ قزاق فرستاده گمر کچی را از دست ترکمانها نجات داده شبانه فراراً بندر جز می رود.

درباب کردمحلّه

به عرض رفته بود اهالی کردمحلّه برای جنرال روس شلیک تفنگ نموده اند. مقصود ایشان نخواستن حیدرقلی خان مسعود السلطان بوده است. بعد از مراجعت جنرال به روسیه حکومت با کارگذار مجلسی از چند نفر علما و تجار فراهم کرده اسباب ترضیه خاطر ۲۱۵ روسها فراهم آید. ساعد السلطنه و سالار اشرف با نماینده کارگذاری و شیخ محمد باقر رابه کردمحلّه فرستادند که حیدرقلی خان را به کلانتری قبول کرده روسا را به شهر آورده اصلاح شود. اهالی کردمحلّه برای آمدن شهر امتناع ورزیده جواب گفتند هر آینه مسعود السلطان به حمایت دولت روس هم به کردمحلّه بیاید برای نزاع حاضریم و او را به خود راه نمی دهیم. حضرات اصلاح کننده مراجعت نموده مجلس دیگری فراهم کردند. قرار شد برای جمع آوری مالیات یک نفر را بفرستند. نواب حاجی منصور السلطان را انتخاب کرده به اتفاق دو نفر از تجار به کردمحلّه فرستاده رفتند. وکیل التجار جمعی اهالی کردمحلّه را در بندر جز نزد اگنط فرستاده خواستند و حالیه مشغول دادن مالیات کردمحلّه می باشند که نواب والا اخذ و تسلیم رئیس بانک نموده قبض رسید بگیرند.

درباب سارقین

چند نفر سارق [را] که مدتها توی شهر و اطراف مشغول دزدی بودند امیراکرم دستگیر نموده از روز هفدهم ماه مرج تا کنون متدرجاً شب یک نفر را در حبس خفه نموده خاکش نمودند. اهالی شهر از حکمران اظهار تشکر و امتنان نمودند.

۴۱۴ - اصل: گلوله (همه جا)

۴۱۵ - صل: خواطر.

درباب بارندگی

روز اول عیدکه ۲۱ ماه مرچ بوده باشد و اول حمل است آفتاب بسیار گرمی بود. بعداز ظهر هوا برهم خورد. رعد و برق در کوه زد، باران گرفت. تا کنون چهل و هشت [ساعت] متوالی باران می بارد. تا چه شود.

نمره ۹

۶ ماه اپریل رفت - ۱۹۱۶

درباب املاک سپهدار

به عرض رفته بود جنرال پاتایف املاک سپهداری را واگذار به رئیس بانک نموده است، بعداز مراجعت جنرال ناچالنیچ که در شیرگاه اقامت داشت به استرآباد آمده به سبب سوءظن که از میرزا علی اکبرخان ایروانی برای اغتشاش کرده حاصل کرده بودند او را معزول نموده و شخصاً قراء خالصه استرآباد را رسیدگی [کرده] و دونفر ارمنی را قرار داده به مازندران رفتند.

درباب اعلان

قونسول روس رقعهای دوستانه به کارگذار نوشته است به سبب نبودن عملجات در خاک روسیه کارخانجات بسته شده است. دولت روس دوستانه از کارگذار دولت علیه خواهشمند است معادل چهل هزار عملة از نقاط ایران جمع آوری نموده به روسیه بروند. نفری هشت منات مساعدت [و] روزی یک منات و ده کوپیک اجرت دارند. کارگذار استرآباد هم اعلان کرده عجالاً سیصد نفر از استرآباد برای رفتن روسیه قونسلخانه رفته صورت گرفته اند.

درباب قاتلین امیر اعظم

اسمعیل خان شجاع لشکر با مرادوردی ترکمان چهل روز قبل به دامغان آمده بودند. عسکرخان یاور صولت لشکر از طرف امیرزاده مأمور گرفتن آنها شده فراراً به سمت سنگسر و شه میرزاد می روند. بیست نفر آدم در آنجا برای خود کمک گرفته بر می گردند. بیست و هشتم ماه مرچ نیم فرسخی دامغان جنب امامزاده حسن با عسکرخان صولت لشکر مصادف شده شش ساعت جنگ سختی اتفاق افتاده به قرب بیست نفر سوارهای [امیر] اعظم مقتول و مجروح می شوند. پاتزده نفر هم همراه شجاع لشکر مقتول و دستگیر شده، به جهت نداشتن فشنگ اسمعیل خان با برادرش و مرادوردی ترکمان به سمت جندق راه فرار اختیار کرده، عسکرخان با عده سواری تعاقب می نماید. امیرزاده امر نموده اهل و عیال قاتلین را از گز دامغان به شهر آورده حبس نظر می نمایند. چند نفر متابعین شجاع لشکر

[را] که سنگسری و شهمیرزادی بوده تیرباران نموده‌اند. تاچه اقتضا کند.

درباب قشون روس

دویم ماه اپریل خبر رسید دوهزار و پانصد نفر قزاق روس از بندر مشهدسیر بیرون آمده به سمت شیرگاه می‌روند. اسمعیل خان امیر مؤید بایک عده سوار و سرباز که چندی است اردو داشته باروسها زدو خوردی می‌نمایند. افواها می‌گویند پسر امیر مؤید سهم‌الملك کشته شده‌است. تاچه اقتضا کند. لکن کشتن سهم‌الملك اغراق است.

درباب کردمحلله

چهارم ماه مذکور خبر رسید اهالی کردمحلله شب و روز مشغول شرارت و دزدی می‌باشند. به قرب دوازده بار پنبه کوله و هشت بار برنج شبانه سرقت نموده‌اند.

نمره ۱۰۵

۲۵ ماه آپریل رفت - ۱۹۱۶

درباب قشون روس

هشتم ماه اپریل خبر رسید یکصد و چهل نفر قزاق روسی از خرم‌آباد از راه مشهدسیر وارد جز گردیده، به سبب شرارت سابقه اهالی کردمحلله ناچالنیک چند نفر اشرار را بندر جز برده بعضی را مجازات نموده و برخی را حبس نمودند. آمدن قشون روس برای شکایت جنرال پاتایف بوده است که اهالی کردمحلله ندانسته تفنگ خالی کرده بودند. مجدداً قشون روس از دریا مراجعت به خرم‌آباد نمودند.

درباب اظهارات

دوازدهم ماه مذکور قونسول برای امیراکرم پیغام می‌دهد امتیازات ایران را به دولت روس و انگلیس داده شده، معادق خطه شمال و جنگل طبرستان و مجاریهای کوهستان واگذار به دولت روس شده است. روسها برای امتیازات خیلی خوشوقت می‌باشند.

درباب حکومت

چون اهالی استرآباد برای حکومت امیراکرم جداً بادولت طرف شده بودند که سوای معظم‌الید کسی را به خود راه نمی‌دهیم، عمده مقصود برای اصلاح امورات خودشان بوده حال چند روز است سه فرقه شده‌اند [و] برضد هم انجمن دارند. امیراکرم چون به واسطه همراهی تجار و سرکرده‌ها به منصب حکومتی نایل گردیده باچار است هرامری را که از طرف ایشان بشود قبول کرده انجام بدهند. به این سبب ترتیب امورات مردم مختل

مانده است. تاجه شود.

درباب منشی قونسلخانه

میرزا جعفر خان منشی که مدت بیست و پنج سال است در قونسلخانه مستخدم بوده و حال پیرمرد شده قوه کار ندارند لهذا قونسول او را قدغن کرده به دفترخانه نروند. میرزا علی اکبر خان مترجم چون سواد روسی دارند دفترخانه به ایشان واگذار گردیده، ومدتی است امورات قونسلخانه نسبت بدسال قبل سه مقابل اضافه شده است. در صورتیکه سه نفر منشی دارند. قونسول همیشب شخصاً شش ساعت مشغول تحریرات دولتی می باشند.

درباب ترقی نرخ

مدتی است گندم ولایتی ترقی فوق العاده نموده چهل و پنج من تبریز را بیست تومان می فروشند، و گندم شاهرود [را] که سفید است مبلغ بیست و هشت تومان می خرند. برنج کرده و امیری خرواری بیست و چهار تومان و برای رعیت خیلی عسرت ۴۱۶ است. خداوند ترحمی نماید.

درباب ابلاغیه

هفدهم ماه اپریل قونسول خبر می دهد قشون روسی بندر طرابوزان را اشغال کرده و چند نفر از دموکرات و مجاهد که در پشت کوه پناه برده بودند نظر رسمی خان سر کرده پشت کوه آنها را تسلیم روسها می نماید. امیر حشمت و حسین زاده بامیرزا علی خان... ۴۱۷ الدوله که جمله دموکرات بوده اند دستگیر شده، قونسول شب هیجدهم بیسرق فتح طرابوزان را کشیدند.

درباب عدلیه

علی اکبر خان مؤیدالعداله پسر حاجی مشارالدوله رئیس عدلیه سابق را به ریاست عدلیه مأمور نموده دوزوز دیگر از راه شاهرود وارد خواهند شد. ایضاً بیان السلطان برای مفتشی و نواقل و بلدیه استرآباد مأمور شده اند.

نمره ۱۱۵

۲ ماه می رفت - ۱۹۱۶

درباب گوکلان - تصرفات روسها

بیست و یکم ماه اپریل محمودخان سرهنگ بدتصویب و همراهی، کموسر روس

۴۱۶ - اصل عسرت.

۴۱۷ - يك كلمه خوانده نمی شود، شاید: مبسر.

رئیس کمیسیون گنبد قابوس معادل دوازده هزار تومان مالیات از طویف گوکلان جمع نموده تسلیم کموسر می نمایند.

درباب اظهارات پولتیکی

روز بیست و سیم ماه مذکور خوانین استرآباد به قونسولخانه می روند. قونسول از ایشان بعضی سؤالات نموده که طوایف یموت متعلق به ایران چند خانوار هستند و سابقاً مالیات خانواری تراکمه چقدر عاید دولت می شد. این سؤال مطالب را کشف می نماید. دولت ایران صحرای وسیع یموت که چهل فرسخ عرض دارد، دوازده فرسخ [طول] آزااست به دولت روس واگذار نموده و خیال دارند مالیاتی برای تراکمه جمع بندی نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب قتل

بیست چهارم ماه اپریل کارگذار بندر جز میرزا سید محمدخان تلگرافآبه کارگذار استرآباد خبر می دهد رئیس مالیه بندر يك نفر ارمنی است، شب را مست بوده با براونیک يك نفر ارمنی را مقتول و حالیه در کارگذاری توقیف است. بعد از تحقیقات قاتل تبعه ایران بوده، مقتول هم تبعه ایران، ملازم تبعه روس است. امیراکرم دونفر سوار فرستاده قاتل را مغلولاً به استرآباد آورده حبس نمودند. تاچه شود.

درباب بارندگی

بیست و ششم ماه مذکور خبر رسید از شدت بارندگی و کثرت برف در سیاه مرگو که یکی از بیلاقات کتول و شش فرسخی مشرقی واقع است دویست خانوار فرونشست و تقریباً بیست هزار تومان وجه نقد و اجناس اهالی زیرخاک پنهان شد.

درباب سیل عظیم

ایضاً از زیادتای باران که يك ماه متوالی شب و روز می بارید کوهستان يك پارچه از برف می شود، يك مرتبه سیل حرکت کرده از دودهنه یکی شرقی استرآباد، یکی غربی استرآباد مدت بیست روز سیل آمده. باران وسیل تمام بیابان و صحرای یموت [را] يك دریاچه نموده پلهای خیلی بزرگ مانند پل آق [قلعه] و سیاه آب و پل حاجی يك لك و پل حاجی آخوند تاکنون زیر آب مستور است. پل گنبد قابوس راهم آب می برد. چند نفر آدم راسیل خفه نمود، غلات ترکمان را باطل کرده جورا خرواری پاتزده تومان می فروشند.

درباب هزار جریب

بیست و هشتم ماه اپریل خبر رسید سیل خرابی فوق العاده در مازندران و هزار جریب وارد نموده است. پل نکاه چهار فرسخی ساری را آب می برده پل تیجن ۴۱۸ وصل

به ساری را دو چشمه آن خراب شده، هزار جریب شاترده نفر زن و بچه در آب سیل تلف شدند. به اضافه ده هزار تومان خسارت از قبل غلات و خرابی اراضی معموره وارد شده است. عمل و زراعت شلتوك هم عقب افتاده. قند را پوطی یازده تومان می فروشند.

نمره ۱۲

۲۹ ماه می رفت - ۱۹۱۶

درباب شاهرود

بعد از قتل نواب والا امیر اعظم اهالی دامغان و شاهرود و سمنان به سبب ظلم و ستمی که نواب مرحوم به آنها رسانیده و املاک آنها را به عدوان و غصب گرفته بود در صدد ضدیت با پسرش برآمده حتی اجزاء ایالتی در باطن با اسمعیل خان شجاع لشکر همدست شده توهین امیر اعظم حالیه را فراهم کرده و جمعی را به قتل رسانیده تا اینکه شاهرودی شورش نمودند. يك نفر صاحب منصب روسی از طهران به خراسان می رفت برای شورش شاهرودیها، چند نفر قزاق در آنجا مأمور نموده آنچه تفنگ درید اهالی شاهرود و سوارهای امیر اعظم بوده جمع نمایند. تاکنون چهل هزار تومان امیر اعظم حالیه مقروض شده. اجزاء خودش میل به خرابی نواب والا دارند.

درباب کتول

هفتم ماه می خبر رسید بین رعایای خالصه بارعایای امیر امجد تراسی اتفاق افتاده طرفین چوب خورده به شهر آمدند. بعد از رسیدگی تقصیر را به عهده رعایای امیر امجد ثابت کرده و تراس برای چند قسمت زمین شده بود. فراشبازی بین رعایای کتولی را اصلاح [کرده] یکصد تومان جرم گرفته مراجعت کردند.

درباب عزل

ایضاً به سبب سفارش نامه وزیر داخله امیر اکرم بشیر ۴۱۹ السلطان را معزول کرده ضیاء الممالک را به حکومت بندر جز برقرار نمودند.

درباب نایب الحکومه

روز نهم میرزا علی اکبر خان قویم الدوله به تصویب وزارت داخله به عنوان پیشکاری حکومت استرآباد وارد شدند.

درباب سرقت

شب چهاردهم ماه می يك نفر حمال يك صندوق چای از منزل حاجی اسمعیل

به سرقت می برد. روز دیگر جمال را گرفته اقرار به سرقت نموده چای [را] گرفتند. حکومت شبانه سارق را خفه کرده به خاک سپردند.

درباب روسها

ایضاً خبر رسید بقید رعایای روسی بایک عده قزاق که گنبد قابوس بوده احضار به جنگ [شده] فقط دوازده نفر مستخدم در آنجا می باشند.

درباب ترقی برنج

به قرب ده روز متوالی ۴۲۰ برنج زیادی حمل به روسیه، از راه صحرا می بردند. قیمت برنج چهل من شاه دوازده تومان و پنج هزار شد. اهالی استرآباد د کاکین را بسته به منزل آقاسید جمال مجتهد رفته به توسط آقا عرض حالی به حکومت نمودند. از طرف ایالت قدغن شد برنج حمل نشود. هر آینه تجار برنجی حمل نمایند اهالی استرآباد مجاز در غارت کردن برنج بوده باشند. به این سبب قیمت برنج تنزل نموده است.

درباب ورود رئیس تحدینات

میرزا سید باقرخان بیان السلطان ۴۲۱ [که] از سلسله قائم مقام است از طرف دولت به ریاست نواقل و تحدید و بلدیة و تفتیش امورات مالیه هفدهم ماه مذکور وارد گردیده مرکز را در اداره مالیه قرار دادند. تا چه اقتضا کند.

درباب قتل

روز بیست و دویم ماه می در محله میدان بین دونفر جوان یکی محمد و دیگری علی اکبر کفاش برای چهارده هزار وجه نزاعی می شود. علی اکبر کفاش یک ساعت از شب گذشته درب خانه پسر آقاسید اسمعیل صدا زده سید محمد مذکور از خانه بیرون می آید، کارد را بر حلقوم سید محمد زده فراد کرد. سید مذکور به سن هیجده ساله به فاصله دو ساعت فوت شد. روز بیست و سوم دونفر سوار حکومت با کسان مقتول تعاقب قاتل رفته اثری به ظهور نرسیده فرار کرد. حسب الامر ایالت حسین نام پدر قاتل را دستگیر کرده در حبس است.

درباب عدلیه

به عرض رفته بود علی اکبرخان پسر حاج مشارالدوله آذربایجانی را به ریاست عدلیه فرستادند. امیر اکرم چند روزی با مشارالیه مساعدت کرده یک باب خانه شخصی برای انعقاد عدلیه تخلیه نموده فراش و لوازمات عدلیه را مهیا کرده علی اکبرخان شخصاً

۴۲۰- اصل: متواری.

۴۲۱- اصل بی نقطه، طبق صفحه ۴۹۱ ضبط شد.

عارض و معروض را حاضر، امر به مجازات و حبس می نمود. این مطلب [باعث] نگرانی امیراکرم گردیده رئیس عدلیه را به دارالحکومه منزل داده بدون اجازه حکومت تصرفات نکند.

نمره ۱۳

۱۲ ماه جون رفت - ۱۹۱۶

درباب قتل

حسن بيك بادكوبه‌ای تبعه روس چند سال است در بارفروش اجاره‌داری می نماید. قتل عبدالسلام اگنط را از ناحیه او می دانند. لذا برای اجاره ملکی علی اکبرخان پسر عبدالسلام با حسن بيك طرف می شود [و] با اگنط مشهدسر شرکت می کند. دویم ماه جون تلگرافاً خبر رسید چند نفر گماشتگان حسن بيك در آن قریه رفته تیری برای علی اکبرخان پسر عبدالسلام خالی شده مقتول شد اگنط بارفروش حسن بيك با آدمهایش را استنطاق نموده جواب می دهد اگنط زاده خودش با هفت تیر خود را به قتل رسانیده است. لکن به عداوت سابقه بین اگنط زاده و حسن بيك اسکندر خان بادكوبه‌ای تبعه روس به حمایت علی اکبرخان در طهران است. قبل از قتل مشارالیه سه نفر آدم از طهران گماشته بود که به مازندران آمده حسن بيك را بکشند. نواب والا حکمران مازندران سه نفر را دستگیر کرده حبس می نماید. در صورتیکه حسن بيك هم از عقیده اسکندر خان مخبر بوده اگنط زاده را مقتول و از قتل هم انکار داشته است. تاچه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب پنجم ماه مذکور دزدطایفه اتابائی سه رأس گاو از جعفرآباد نیم فرسخی شمالی به سرقت بردند.

درباب سیم تلگراف روسها و سرقت

ایضاً روسها تاکنون از استرآباد به داخله ایران به اسم ایرانی به وقت معین مخاברה می نمودند. از قرار معلوم اجازه گرفته اند که مستقیماً از استرآباد برای طهران و خراسان سیم بکشند. بیست روزی می شود فلیپویچ رئیس تلگرافخانه بندر جز به شاهرود رفته روی قبرستان شاهرود محل تلگرافخانه رامعین نموده است. روز هشتم ماه جون از قونسلخانه چهار بارسیم و مقره به شاهرود حمل می شود. مکاری در گرما بدشت چهار فرسخی مشرقی که پای گدوک قزلق است توقف کرده، چهار رأس مال مکاری را به سرقت می برند. مکاری مراجعت به قونسلخانه نموده مجدداً چهار مال کرایه کرده سیم مقره را به شاهرود حمل می نمایند.

درباب مازندران

املاکی در ساری از قبیل دکاکین چندی و حمام و چندپرگاله دهات وقف برزوار است. برای خوردن موقوفه بین مجتهدین ساری در این باب نزاع شده برای تصرفات موقوفه دو فرقه شده‌اند: یک فرقه منزل شیخ محمدباقر فاضل وارد شده که به توسط قونسول استرآباد املاک موقوفه را در ساری تصرف نموده سالی ده هزار تومان عایدات موقوفه‌جات مزبور است. تاکنون از جانب قونسول نتیجه برای آنها حاصل نشده است.

درباب حکم تلگرافی

به موجب تلگرافی که از طرف قوام‌الدوله وزیر جنگ برای لواء‌الدوله رئیس قشون رسیده است سردار کبیر معزول شده و تلگرافاً امر نموده رئیس قشون در تمام ایلات یموت اطلاع بدهد کما فی السابق طوایف یموت سوار دولتی داشتند حالیه هم وجود خوانین یموت با سوار خودشان برای دولت لازم [است] و صورت آنها را به طهران بفرستند.

درباب ورود مسافر بجنورد

محمد رضاخان میرآخور سردار معزز بجنوردی حکمران برای خریدن دو اسب ممتاز از راه گوکلان به استرآباد وارد [شده] به منزل امیرامجد رفته است.

نمره ۱۴۵

۴۴ ماه جون رفت - ۱۹۱۶

درباب کارگذار

ممتحن‌الملک کارگذار استرآباد برای معالجه سینه از وزارت خارجه چهل روزه اجازه خواسته، کفالت کارگذاری را به عهده میرزا شکرالله خان معاون واگذار نموده روز چهاردهم ماه جون از راه شاهرود به طهران رفتند.

درباب میرآخور سردار معزز

به عرض رفته بود برای خریدن دو اسب به استرآباد آمده است. مشارالیه باده نفر سوار و پنج نفر اجزاء همراه داشته از راه گوکلان تا استرآباد نه منزل است، فقط برای خریدن نبوده مقصود اطلاعات استرآباد و نفوذ روسها را در خط شمال تکه راپرت برای سردار معزز تحصیل کرده. بعد از دوشب مراجعت نمودند.

درباب کمیسیون

اعتصام‌الممالک رئیس کمیسیون چهارماه است به استرآباد وارد شده، برای گرفتن

حقوق تاکنون حرکت به مقرر مأموریت نکرده. باینکه مابین خوانین فندرسک و کموسر روس برای قریه خاندوز که جنب رامیان واقع شده مذاکراتی می شود قونسول استرآباد به سفارت اطلاع داده که رئیس کمیسیون تا به حال نرفته است. حکم تلگرافی رسید که عاجلا حرکت نمائید. روز هیجدهم ماه مذکور بادونفر قزاق از راه فندرسک به سمت گنبد قابوس رفته امورات کمیسیون را تصفیه نماید. تاچه اقتضا کند.

درباب کردمحلہ

گرمانویج ناچالنیک چند روز است اهالی کردمحلہ [را] به شهر آورده، همه روزه در حضور مسعودالسلطان که مستاجر کردمحلہ بوده مطالبه هفده هزار تومان مالیات می نماید. دوسه مرتبه رعایای مذکور را توی حمام خانه حبس کرده حکومت به زحمات زیادی آنها را نجات می دهد. مقصود امیراکرم آنست مسعودالسلطان که مستاجر بود، برای شورش کردمحلہ مالیات نگرفته است. اهالی کردمحلہ کسانی که بامسعودالسلطان طرف می باشند در حضور ناچالنیک مدعی به اداء مالیات شده. امیراکرم تلگرافاً به سپهدار شکایت کرده جواب مساعدی برای حکومت نرسیده. چند مرتبه قونسول را ملاقات نموده شاید ناچالنیک اسکات بدهند. پولتیک اقتضا نمی کند. به امر ناچالنیک ده روز است اهالی کردمحلہ با اربابان سهدانگ ونیم دیوانخانه توقیف و امورات اصلاح پذیر نیست. تا چه اقتضا کند.

نمره ۱۵

دهم ماه جولای رفت - ۱۹۱۶

درباب نزاع ملك

املاك وسیع استرآباد مانند يك مرداری است که در بیابان افتاده، کلاغهاروی آن جمع شده می خورند. اتصالاً مابین خوانین و شیخ محمدباقر و سلطان العلماء نزاع است. آقاخان امیرامجد بر حسب تصرفات سابقه می گوید اراضی سنگدوین متعلق است به خالصه کتول، سلطان العلماء به توسط کمیسر و محمود آقا سرهنگ قراء کتول [را] که الوستان و قوش کرپی باشد ادعای کند؛ تا اینکه طرفین چند نفر را انتخاب کرده بروند در کتول بازدید نمایند. اشخاصی که مصدق شده به کتول رفته اند: ملا محمد قاسم - لواء الدوله رئیس قشون - ساعدالسلطنه - میرزا جعفرخان - میرزا هادی پسر حاجی سید طاهر - آقا علی خان مقصودلو. بین شش نفر مصدق سر سامان اختلاف گردیده، نصف تصدیق امیرامجد را نمودند [و] نصف از ترس کمیسر و محمود آقا سرهنگ مصدق سلطان العلماء شدند. تاچه اقتضا کند.

درباب مولود احمدشاه

به موجب تلگراف سپهدار رئیس الوزراء حکومت... ۲۲۲ کارگذاری رسمانه برای جشن احمدشاه روز بیست و نهم ماه جون ادارات خارجه و داخله را اخطار کرده دو ساعت به ظهر برای تبریک در کلاه فرنگی رفتند. شب را حکومت استرآباد، قونسول با اجزاء قونسالخانه و سایر مأمورین را دعوت شام نموده قونسول برای جزئی نقاهت عذرخواسته، نایب با رئیس قشون و گرمانویج و قونسول سابق حاضر شده بعداز صرف شام رفتند.

درباب اسبدوانی

مسیو ایوانف قونسول سابق روز سی ام ماه مذکور برای اسبدوانی به اتفاق امیراکرم و مسعود السلطان و سالار اشرف و ساعد السلطنه و آقامیرزاهادی به گموش تپه رفته اسب دوانیدند. پنج رأس اسب ایوانف تماماً عقب افتاده دوره اول را اسب مسعود السلطان نهصد منات بیرق برداشت. دوره دویم اسبهای هادی هفتصد منات بیرق گرفت. دوره سیم اسب اتاقلیج ترکمان گموش تپه پانصد منات بیرق برداشت. مراجعت به شهر از راه خوجه نفس بعداز صرف نهار و چای [در] هوای گرم به اتفاق به شهر آمدیم. چند روز است ایوانف مذاکره رفتن روسیه را می نماید. تا چه اقتضا کند و نامعلوم است.

درباب رئیس قشون

در صورتیکه اعتصام الممالک را وزیر امور خارجه بعداز چهار ماه حکم نمود به گنبد قابوس بروند عدم کفایت مانع از توقف آنجا گردیده اظهار کسالت کرده روز غره ماه جولای مراجعت به شهر نمودند.

درباب عدلیه

ایضاً به تحریک حکومت اهالی شهر اسباب بی احترامی برای علی اکبرخان رئیس عدلیه فراهم کرده آدم او را در بازار چوب زده و رئیس عدلیه را توی کوچه فحش دادند و شب نامه برای او انداخته مشارالیه از ترس به دیوانخانه رفته شب چهاردهم ماه جولای فراراً از راه کتول به خراسان رفتند.

درباب لاورف، کمیسر روس

ایضاً خبر رسید کمیسر معزول است. روز ششم ماه مذکور سیزده عرابه اسباب لازمه خود را از راه قراسو به روسیه فرستاد.

درباب روسها

ایضاً منتشر است قشون روس از کرمانشاهان مراجعت به همدان نموده روز نهم ماه

جولای یکصد و پنجاه نفر قزاق و یک نفر صاحب منصب بایک نفر مترجم عشق آبادی رابه شاهرود می فرستند. تاکنون از مسافرت قشون روس اطلاع کاملی به دست نیامده است.

نمره ۱۶۵

۲۴ ماه جولای رفت - ۱۹۱۶

درباب روسها

چون اگنط شاهرود تلگرافاً به قونسول خبر داده که چهارصد سوار آلمانی را در هفت فرسخی شاهرود دیده اند لذا قزاقهای مذکور را برای امنیت خط خراسان به شاهرود می فرستند. لکن اهالی آنجا ابدأً میل ندارند که قزاقها در شاهرود باشند. شب و روز اسباب اذیت شاهرودی را فراهم کرده اند.

درباب اعزاز السلطنه امیر اعظم

چندی قبل نواب والا از حکومت شاهرود معزول، در سمنان توقف داشت. مجدداً به توسط شاهزاده عین الدوله حکومت شاهرود را به نواب والا دادند. روز پانزدهم ماه جولای اهالی شاهرود و بسطام استقبال رفته با احترام زیبای امیر اعظم را به شاهرود وارد کردند.

درباب عزل کمیسر لاورف

عوض مشارالیه مأمور جدیدی گنبد قابوس وارد [شده] به اتفاق هم به استرآباد آمده دوشب توقف در قونسلخانه نموده لاورف املاکی که در سنگ دویین و گنبد قابوس تهیه نموده واگذار به گرمانویج [و] اداره پاتایف نموده با رئیس جدید به گنبد قابوس رفته از آنجا به سمت عشق آباد و پطر گراد خواهند رفت.

درباب محمود آقاخان سرهنگ

ایضاً روز هیجدهم ماه جولای خبر رسید به واسطه معزولی لاورف محمود آقا سرهنگ معزول شده از راه عشق آباد به سمت رشت و طهران عازمند.

درباب روسها

نوزدهم ماه مذکور هفت نفر از مهندسین روس برای بازدید راه و جنگل و معادن وغیره به قونسلخانه وارد شدند. دوشب توقف کرده، چهارپنج رأس اسب خریداری کرده از راه زیارت خاسته رود به سمت شاهرود حرکت نموده رفتند.

درباب سرقت

ایضاً خبر رسید دزد طایفه اتابائی يك رأس مال، دورأس گاو از قریه کریم آباد نیم فرسخی شمالی به سرقت بردند.

نمره ۱۷۰

دهم ماه اگست رفت - ۱۹۱۶

درباب حکومت مازندران - اعتضادالسلطنه

لطفعلی خان کلبادی سالارمکرم ملقب به امیرنصرت به سبب تغییرات نواب والا اعتضادالسلطنه به طهران رفته شاکی می شود. از قرار مذکور پنج هزار تومان به رئیس الوزراء سپهدار تقدیم نموده نواب والا معزول [گردیده]. بیست و ششم ماه جولای خبر رسید نواب والا عزیمت به طهران نمودند.

درباب سرقت

شب بیست و هشتم ماه مذکور به قریب یکصد تومان اجناس از خانه یوسف بقال در محله پای سرو به سرقت بردند.

درباب خیوق

ایضاً خبر رسید تراکمه خیوق برای سوار شورش نموده چندرور باروسها نزاع می نمایند. چند نفری از قشون روس مقتول [شده] بعد از قشون روس به تراکمه غلبه کرده چند نفر رؤسای آنها را دستگیر [کرده] و جزئی صدمه به آنها زده. لکن تراکمه خیوق درتیه و استعداد اسلحه می باشند که جنگ نمایند. تاچه اقتضا کند.

درباب خبر

منتشر است برای آوردن سفرای آلمان و اطیش و عثمانی اهالی ایران کوشش دارند. می گویند قشون روس [را] تا بیرون دروازه طهران عقب نشانیده اند. دوسه هفته است پست طهران نیامده. شهرت دارد دکاکین دارالخلافة را بسته اند. به این جهت روسهای گویند هرآینه دولت ایران خود را بی طرف می داند احمدشاه باید به مازندران آمده و سفرای مزبور را هم به طهران راه ندهند. تاچه اقتضا کند.

درباب قتل گرجی محله

قریه گرجی محله که جزء دهات مازندران يك فرسخی اشرف واقع شده است متعلق است به اهالی قریه. بعد از رفتن محمدعلی شاه کنیازنامی به گرجی محله وارد [شده] خود را معرفی می کند که من پسر پادشاه گرجستان هستم. اهالی قریه سابقاً با افغانهای قره تپه

زد و خوردی داشته به ملاحظه اینکه کنیاز از آنها همراهی و حمایت کند به ریاست او را قبول می نمایند. امسال اهالی گرجی محله دو فرقه می شوند: نصف او را تابع و فرمانبردار، نصف بر علیه کنیاز مذکور رفتار می کنند. لذا گفتگوئی بین اهالی قریه و کنیاز گردیده، برادر کنیاز را تیرزده مقتول می شود. کنیاز به قونسول استرآباد عارض [شده] رسماً به حکومت مازندران و طهران اطلاع می دهند. چند روزی مسامحه می شود. قونسول يك نفر غلام باده نفر قزاق به گرجی محله فرستاده اشرار را دستگیر نمایند. اشرار از ترس برای آنها تیری خالی کرده به خود راه نمی دهند. تلگرافاً غلام قونسول از اشرف اطلاع داده حسب الامر قونسول دو بیست نفر قزاق نیزه دار که مستحفظ پراخوت جنگی بوده از کنار دریا بیرون آمده به گرجی محله می روند. ورود قزاقها مجدداً اشرار تیر خالی می نمایند. صاحب منصب روسیه هم فرمان داده شلیک تفنگ نمودند. ده نفر اهالی گرجی محله از فقراء و بی طرف مقتول [شده] شصت خانه را آتش می زنند. يك نفر سلطان با سه نفر آدمهایش را دستگیر کرده، پسر حاجی سید کریم رستم کلائی که نزدیکی گرجی محله ساکن است با سالار اکرم حاکم اشرف پسر سردار امنع رئیس قشون مازندران را دستگیر نموده، روز هشتم ماه اگست وارد به استرآباد می نمایند. تا چه اقتضا کند.

درباب روسها

ایضاً خبر رسید دولت روس امر نموده از بندر حسینقلی، چکشلر و اترک، هفت خانه دو نفر سوار با اسب بدهند. شهرت دارد ترکمانها جواب کرده و حاضر شده اند که جنگ نمایند. تا چه شود.

درباب سرقه

شب نهم ماه اگست محله نعلبندان [خانه] حاجی محمد را شکافته هفتصد تومان وجه باطلای ساخته سرقه کرده بردند.

نمره ۱۹

۴ ماه سپتمبر رفت - ۱۹۱۶

درباب قتل

شب دوازدهم ماه اگست کدخدای قریه پیشین کلاته سه فرسخی مغربی مشغول به نماز بوده، اهالی قریه غفلتاً او را تفنگ زده مقتول و قاتل ناپدید است.

درباب خرید تفنگ

چند روز است ترکمانها تفنگ زیادی می خرند. قیمت تفنگ ورندل پنجاه تومان رسیده است. آنچه تفنگ خریداری می شود به اترک می برند. سبب خریدن تفنگ طرفیت

باروسها شده است. می گویند که ما سوار نمی دهیم، در صورتیکه می دانیم جوانهای ما به جنگ می روند بر نمی گردند. حال خودمان دفاع می کنیم و پهلوی زن و بچه خودمان کشته بشویم بهتر است. ترکمانهای اترکی تماماً در يك جا جمع شده اند. از این طرف قونسول به ایالت امر نموده قدغن سخت نموده اند که اهالی شهر و قراء بلد تفنگ به نرا کمه نفر و شدند.

درباب خبر

هیجدهم ماه اگست افواهاً شهرت داده شده سفیر دولت فخمه انگلیس به اتفاق سپهدار وظل السلطان ۲۲۳ حرکت به سمت رشت نموده اند. سفیر روس هم در سفارت آمریکا متحصن شده. قشون روس را عساکر عثمانی به کلی معدوم ساخته و خودشان اطراف طهران وارد شده اند. تاچه اقتضا کند.

درباب چپاول خانه یعقوبعلی سلطان

مشارالیه یکی از سوارهای قهارخان سالار اشجع بود که اعتنائی به امیراکرم نداشت. برای گرفتن مالیات لیوان هشتیکه ایالت اسباب چینی کرده گماشته گرمانویج را با پنج نفر قزاق بدلیوان فرستاده یعقوبعلی سلطان را دستگیر کرده به استرآباد آوردند. خوانین اتران به قرب پنج هزار تومان اموال مشارالیه را به تحریک حکومت چاپیده بردند و او را هم در حبس نگاه داشته اند.

درباب کمیسر

بیست و یکم ماه مذکور لاورف کمیسر سابق از راه قراسو به روسیه رفت. کمیسر جدید تا به حال تصرفاتی نکرده است.

درباب گرفتن تفنگ

روز بیست و چهارم ماه اگست قونسول روس بیست نفر قزاق بایک نفر غلام به جعفربائی فرستاده تفنگ آنها را جمع نمایند. پیرمردان جعفربائی جواب داده [اند] ایلات یموت اکثر تفنگ ندارند، بعضی هم تفنگ برای حراست مال خود دارند، به رضایت که نخواهند داد. تاچه اقتضا کند.

درباب سرقت

شب بیست و هشتم ماه مذکور دونفر دزد محله سرپیر يك رأس یا بو سرقت نموده صاحب مال را تفنگ زده دست راست او را گلوله خراب نموده مشرف به موت است.

درباب دمکراتها

چند روز است برای خبر ورود عساکر عثمانی به طهران از گوشه و کنار... ۲۲۴ زیاد

۴۲۳- اصل: ضل السلطان.

۴۲۴- يك کلمه خوانا نیست. شاید: غلغله.

است. جمعی از تجار کاغذی برای مهدی‌خان میرپنج فندرسکی نوشته‌اند که يك عده سوار مهیا نماید. امیراکرم حکمران هم از دموکراتها ۴۲۵ است.

درباب آرامنه

بیست و نهم ماه اگست خبر رسید آرامنه که در طهران ساکن بودند نصف به سمت گیلان، نصف بدمازندران متواری شده‌اند.

درباب قتل درمازندران

ایضاً خبر رسید سعید حضور حاکم علی‌آباد ساری اسکندرخان ترك تبعه روس را برای نگاهداری املاك شخصی نگاه داشته. مشارالیه نفوذی به هم رسانیده، يك عده آرامنه بازن و بچه وارد علی‌آباد می‌شوند. اسکندرخان دونفر آرامنه را به قتل رسانیده، اموال آنها را غارت می‌کنند. سردار امانع نایب‌الایاله ضرغام‌السلطان [را] که از بستگان امیر مؤید باشد به علی‌آباد فرستاده از سعید حضور مؤاخذه قتل آرامنه را می‌نماید. ورود ضرغام‌السلطان به منزل سعید حضور نزاعی می‌شود. طرفین برای هم تیر خالی می‌نمایند. سعید حضور مقتول [شده] ضرغام‌السلطان تیر گرفته مشرف به موت است.

درباب خبر ترکمانها

به عرض رسانیده بود ترکمانهای اترکی بر علیه روس رفتار می‌کنند. غره ماه سپتمبر نزاعی بین تراکمه و سوارهای روس اتفاق افتاده چهار نفر از روسها مقتول [شده] يك نفر افسر ۲۲۶ را دستگیر [کرده]، يك نفر هم از تراکمه مقتول شده، يك نفر مجروح [می‌گردد]. لکن افسر روس را به گموش تپه آورده، اهالی گموش تپه مرخص نمودند. تراکمه چمور هم از حالات دولت روس مخبر شده انتظار می‌رود که شورش بنمایند. دو روز قبل غلام قونسولگری برای گرفتن مقصری به طایفه اتابائی رفته ترکمانها جواب سخت گفته مقصر را ندادند. تا چداقتضا کند.

درباب ورود

ممتحن‌الملک کارگذار استرآباد در ماهه برای معالجه به طهران رفته بودند، روز دویم ماه مذکور مراجعت به مقر مأموریت خود نمودند.

درباب نظمیه

ایضاً اعتماد قجر (?) به ریاست نظمیه وارد شده. از اول برج میزان شروع به عمل نظمیه و غیره خواهند نمود.

۴۲۵- صل: دم کراتیها.

۴۲۶- (سافیسر)، اصطلاح انگلیسی است، نه کلمه فارسی مصطلح کنونی.

نمره ۲۵۵

۱۱ ماه سپتمبر رفت - ۱۹۱۶

درباب نزاع تراکمه

ترکمانهای اترکی به قرب پانزده روز است سیم تلگراف روسهارا از اترکالی دو فرسخ پاره کرده و سیم را هم بردند. قونسولگری از خط سیم رشت به روسیه مخبره می نمایند.

درباب قتل

ششم ماه سپتمبر خبر رسید در قریه قرق چهار فرسخی مشرقی که متعلق است به ساعدالسلطنه تراعی بین رعیت اتفاق افتاده، باچوب يك نفر را به قتل می رسانند.

درباب انتشار

از طرف قونسولگری منتشر شده است هشت هزار قشون روس برای استراباد و مازندران باگنبد قابوس و شاهرود می آیند.

درباب نزاع نردین

مهدی خان میر پنج فندرسکی برای مالیات کوهسار رفته بودند، حکومت نردین يك قریه را ابوابجمعی نردین محسوب نموده مالیات ندادند، مهدی خان میر پنجه يك عده پیاده ایلجاری از فندرسک برده يك هفته با اهالی نردین جنگ نموده دو نفر نردینی مقتول [شده] آخر الامر تسلیم شده مالیات کوهسار را گرفته مراجعت نمودند.

درباب قشون

دهم ماه مذکور منشی قونسولگری بایک نفر غلام برای ورود قشون استقبال رفته دو بیست و هشتاد نفر سالداد جوان به سن پانزده الی هیجده سالگی از راه قراسو وارد جنوبی شهر [شده] چادر زده منزل نمودند. شانزده عرابه لوازمات و قورخانه به انضمام دوعراده توپ داشتند.

درباب تراکمه اترک

قبل از نزاع تراکمه [و] روسها چند نفر از ریش سفیدان چکشلر و حسینقلی در پطرگرا د حضور امپراطور می روند، عرضه می دارند که حاکم چکشلر از ما سوارخواستہ است برای [ما] امکان ندارد. امپراطور کل روسیه سوار رابه ایشان بخشیده لکن برای شرارت ترکمان در حین آسودگی خیال گوشمالی به ترکمانها دارند. تاجه اقتضا کند.

نمبر ۲۱۵

۲۵ سپتمبر ۱۹۱۶

درباب روسها

چهاردهم ماه سپتمبر دويست و هشتاد نفر سالداد روس به اتفاق يك نفر غلام به سمت شاهرود حرکت کرده برای حمل لوازمات قشونی و قورخانه به قرب پنجاه شصت رأس مال مکاری را گرفته بدون وجد کرایه به شاهرود بردند.

درباب اترك

هيچدهم ماه مذکور خبر رسید کمیسر جدید چند نفر پیرمردهای اترك را به گنبد قابوس احضار کرده به نوع خوش با ایشان سؤال و جواب نموده چهارصدوسی و يك نفر آدم برای قراولی بدهند. وعده گرفته است که عده سوار مزبوره به جنگ نخواهند رفت. ترکمانهای اترکی دو ماهه مهلت خواسته و متعهد گردیده اند که چهارصدوسی و يك نفر سوار در مدت مذکور بدهند.

درباب سرقت

شب بیستم ماه سپتمبر دزد طایفه اتابائی دو رأس مال، يك رأس مال از قریه جعفرآباد نیم فرسخی مشرقی به سرقت بردند.

درباب ورود قشون

بیست و یکم ماه مذکور دوپراخوت که دارای ششصد نفر سالداد بوده وارد قراسو می شوند. از طرف قونسولگری و کارگذاری و حکومت روز بیست و دویم برای ورود قشون نیم فرسخ استقبال رفته به طرح نظام مقارن غروب وارد در شمالی استرآباد گردیده، شاترده نفر صاحب منصب بارئیس قشون جدید به شهر وارد شده منزل کردند. تمام کاروانسراهای شهر را تخلیه نموده روز بیست و سیم قشون را در بازار نمایش داده به کاروانسرا منزل دادند و تمام مهمات جنگ که مبنی بر دو عراده توپ شنیدل و چهار عراده توپ دستی و شصت تیره به انضمام چهارصدجعبه فشنگ را به دیوانخانه برده، روز بیست و چهارم قشون مزبور در بیرون دروازه محله میدان وصل به سرچشمه آب سارو خواجه اردو منعقد [کرده] فوراً دو رأس گاو شیرده مردم را تفنگ زده گوشت آن را تقسیم [کرده] و اهالی از وحشیگری سالداد مزبور تماماً متوحش هستند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۲۲۵

۵ اکتبر رفت - ۱۹۱۶

درباب تجری ترکمانها

به عرض رفته بود به توسط کمیسر تراکمه اصلاح نموده اند. مجدداً خبر رسید بکلی از این اصلاح اعراض دارند و ابدأ حاضر نشده اند یک نفر سوار به روسها بدهند. سلخ ماه سپتمبر خبر رسید تمام چاروای تبعه روس که در زیر اترك و کنیک ۲۲۷ جای داشته حتی از قرابلخان که هشت منزل مسافت دارد تماماً کوچیده به گرگان آمده هزار ششصد نفر در سنگ سواد که بین استرآباد و گنبد قابوس است ساکن شده اند. هشتاد نفر قزاق و سالداد و مستخدم گنبد قابوس فراراً به استرآباد آمده اند. به قرب دو هزار و پانصد خانوار تراکمه چاروا زیر رود گرگان سه فرسخی شمالی استرآباد اطراق نموده گوسفند و شتر و مادیان آنچه داشته همراه خود آورده اند.

درباب مالقانها

اتباع روس که چند نفری در خطه سیاه آب مشغول زراعت کاری هستند یک رأس گاو میش نفس نام ترکمان جعفر بائی رامی کشند. نفس ترکمان به منزل آنها رفته مطالبه غرامت گاو میش می کند. مالقانها او را تفنگ زده گردن نفس مجروح [شده] مشغول معالجه می باشند.

درباب چپاول

در یکه مازو یک فرسخی شمالی چند خانه متعلق به هارطون میرزایانس تاجر مسیحی بوده یک نفر مرد یا یک زن در آنجا محافظت داشتند، شب دویم ماه اکتبر بیست و دو سوار اترکی از آق قلعه به یکه مازو آمده به قرب صدتیر تفنگ شلیک کرده، دوازده رأس و رزا، چهل تومان پول سفید، صد و هشتاد منات کاغذ را چاپیده گوش یک نفر مرد را مجروح [کرده]، صبح زود به قونسولخانه عارض شدند. یک نفر غلام به امر قونسول برای تحقیق به آنجا رفته مراجعت کرده به عرض قونسول رسانیده. مرتکب تراکمه اترکی برای جنگ حاضر شده اند. تاچه اقتضا کند.

درباب بی اعتدالی

ششصد نفر سالداد که وارد شده اند اولاً صد نفر مریض می باشند، باعث اذیت اهالی گشته اند. در بازار که عبور می کنند آنچه لازم دارند با صاحب دکان قیمت کرده نصف قیمت جنس را می دهند و صاحب دکان جرأت ۲۲۸ حرف زدن ندارد. یک نفر وکیل در بازار

می‌رود، يك تخته ادیال (؟) پانزده قرانی را از روس (؟) حاجی محمد اسمعیل تاجر محترم کشیده و چند فحش هم داده می‌رود.

درباب ساختن اردوی قزاق

به امر قونسولگری امیراکرم حکمران شش هزار بار چوب ونی و کالی از بلوک سدن رستاق و استراباد رستاق امر نموده بیاورند در بیرون دروازه بسطام برای زمستانی قشون منزل بسازند. در این موقع که فصل درویدن شلتوک است رعیت بی کس مجبور شده، فریاد از تمام قراء استراباد بلند است.

نمره ۲۳

۹ ماه اکتبر رفت - ۱۹۱۶

درباب روسها با تراکمه

صبح پنجم ماه اکتبر سوار تراکمه اترکی در قرا تپه داز چهار فرسخی چندخانه اتباع روس را چاپیده، يك نفر زنجانى ملازم آنها را به قتل می‌رسانند. قونسول پنجاه نفر قزاق را مأمور نموده به اتفاق پسر جهانگیر مسیحی و يك نفر غلام بروند رؤسای طایفه اتابائی را به شهر آورده ملتزم شوند که با تراکمه اترکی رعیت روسی کمک ندهند. در صورتیکه بر حسب ظاهر تراکمه چمور اتباع ایران میل به شرارت نداشتند، لهاز رفتن این عده قزاق از راه فوجرد يك فرسخی مشرقی آقا محمد نام ترکمان رئیس طایفه دوگونچی که جزو طایفه اتابائی محسوب است با برادرزاده اش يك مال سوار شده به فوجرد آمدند که شالی ساخلوئی خود را ببرند زیر حد قریه فوجرد. قزاقها به این دونفر ترکمان برخوردند تفنگ برزنگه درید ترکمانها بوده مطالبه می‌کنند. ترکمان جواب داده تفنگ بر ما لازم است. صاحب منصب قزاق فرمان داده يك نفر را می‌زنند. ترکمان دیگر يك نفر قزاق را می‌زند. گلوله ران قزاق را خورد نموده بعد يك مرتبه شلیک شد دوازده تیر به ترکمان وارد شد. دونفر مقتول [شده] نعش آنها را بد فوجرد آورده شبانه رعایای فوجرد را در خانه‌ها حبس کرده نگذاشتند بیرون بروند. صبح ششم ماه اکتبر به قرب پانصد تومان پول نقد و طلای ساخته زندهای رعیت را چاپیده به شهر مراجعت کردند. بعد از تحقیقات لازمه معلوم شد تقصیر از طرف صاحب منصب و ارسین پسر جهانگیر ارمنی بوده تهیه اصلاح را گرفته بودند. روز هشتم سه نفر زن و مرد روسی از گنبد قابوس به استراباد می‌آمدند، نزدیکی آق قلعه قلیچ ترکمان برادر آقا محمد مقتول سه نفر را به قتل می‌رساند و رؤسای تراکمه چمور که اتباع ایران باشند و خیال شرارت را نداشتند برای پیشامد این کار تماماً مستعد جنگ شده کاغذی عموماً به قونسول روس می‌نویسند که دیگر بین ماوشماها اصلاح پذیر نخواهد بود. روز مذکور مقارن غروب دویت و پنجاه نفر

سالداد از قزاق بادو عراده توپ با دو گاری حرکت [کرده] به سمت اتابائی دوفرسخی شمالی جنب پل سیاه آب رسیده از ساعت چهار از شب تا صبح صدای تفنگ و شلیک توپ بلند بود. روز نهم يك عده گاری نقش سالداد را به شهر آورده. ششصد نفر عده قشون روس است که با تراکمه مشغول جنگ هستند. و اهالی دهات شمالی هم متوحش، از ترس اهل و عیال و زندگانی خود را به شهر می آورند. تاجه شود.

درباب چپاول

اردوی تراکمه اترکی در سنگ سواد منعقد شده. از طایفه چمور به کمک می روند. شهرت دارد مهدی خان میر پنجه فندرسکی محرك تراکمه است. ترکمانها از طایفه گموش تپه کمک خواسته بودند. ایشان چون تجارت باروسیه دارند جواب کرده. لهذا تجار گنبد قابوس هم بکلی دکانها را بسته، سی و شش عرابه اجناس را حمل به گموش تپه می نمایند. در سنگ سواد تراکمه یاغی به لجاجت گموش تپه بارهای ارابه را ضبط کرده ندادند. تا چه اقتضا کند.

نمره ۲۴

۱۶ ماه اکتبر رفت - ۱۹۱۶

درباب جنگ

زمانی که روسها با دو عراده توپ از پل حاجی قرا گذشتند تراکمه اتابائی دو بیست نفر بسخو داشتند. يك مربعه شلیک می نمایند. سی نفر از سالداد مقتول می شود. مجدداً دو عراده توپ بزرگ که در شهر بوده می برند، سه شب و سه روز نزاع سختی می کنند. ترکمانهای اتابائی به واسطه نرسیدن کمک زن و بچه خود را زیر گرگان می برند و خرابه آق قلعه را تخلیه نموده روسها تصرف می نمایند. به قوه شلیک توپ ترکمانها متواری شده دو طایفه از تیره اتابائی که محمد آلق و طعنه که خود را داخل جنگ نکرده وساکت بودند دچار گلوله توپ [شده] و فرار اختیار کرده، پولکنیک روس فرمان داده به قرب دو بیست آلاچیق را آتش زده و اموال تراکمه را چاپیده به انضمام هشتاد رأس گاو، پانزده رأس الاغ و سه گاری لوازمات از قبیل پلاس و قالی و مس و پشمینه آلات آورده در شهر فروختند. تلفات روسها سه نفر صاحب منصب بوده که مراجعت از جنگ با احترام در بیرون دروازه بسطام برده دفن نمودند. سالداد چهل نفر متجاوز تلف شده. از ترکمانها دو نفر مقتول [شده] گلوله دست يك نفر را صدمه رسانیده است. بعد از مراجعت قشون روس چهارصد نفر سوار اترکی به کمک آمدند که جنگ آسوده شده بود. لکن ترکمانها در این چند روزه به اتباع روس که در شش فرسخی مشرقی اقامت داشتند صدمه

رسانیده فون صمصام که اصلاً آلمانی و مستأجر دهات شیخ محمدباقر است باعیال خود دچار تراکمه گردیده، دو نفر ملازم او را مقتول [کرده] یک شب و یک روز در طایفه ایلغی با عیالش عریان بوده ترکمانهای وحشی در حضور او با عیالش مجامعت می کردند. ملازم ساعدالسلطنه با دو نفر ترکمانهای داز فون صمصام را باعیالش نجات داده بده آورده لباس دهقانی به آنها پوشانیده به شهر آوردماند. تاجه اقتضا کند.

درباب دهات شیخ باقر فاضل

دوازدهم ماه اکتبر خبر رسید دو بیست نفر رعایای شیرنگ و نیرکان و ماران کلاته که تازه آباد شده است و در اجاره روسها بوده از ترس تراکمه متواری می شوند.

درباب حاجی محمدزمان تاجر

روز چهاردهم ماه مذکور پولکنیک روس با سی نفر سالداد و دو عدد عرابه درب خانه حاجی محمدزمان تاجر استرآبادی رفته شاترده عدد چلیک باروط در منزل مشارالیه بوده با عرابه حمل به قونسلخانه می نمایند. بعد درب دکان مشارالیه رفته کتک زیادی به او زده با دفتر تجارت به قونسلخانه برده حبس نمودند. به تحریک جهانگیر مسیحی پولکنیک به منزل سالار اشرف و خانه حاجی سید مفید می روند. بین راه مردم کسبه را چوب می زنند که سر پا بلند شده تعظیم نمایند. از خانه سالار اشرف دو قبضه تفنگ دولول با دو قبضه هفت تیره و موزر ۲۲۹ و یک تفنگ دولول هم [از] خانه حاجی سید مفید گرفته رفتند. روز پانزدهم به توسط حکومت در بازار جار کشیدند هر کسی باروط و تفنگ و فشنگ و ساچمه داشته باشد دیوانخانه آورده تسلیم نماید والا خانه او را تاراج خواهند کرد.

درباب اظهارات قونسول

روز شانزدهم ماه اکتبر قونسول به حکومت و خوانین اظهار می کرد برای شرارت تراکمه چهار هزار قشون به گنبد قابوس و چاتلی وارد خواهد شد [و] ترکمانها را مجازات سخت می کنیم. لاکن روسها برای گرفتن سوار ترکمان جد و جهدی فوق العاده دارند.

نمره ۲۵

۲۵ ماه اکتبر رفت - ۱۹۱۶

درباب قتل، قریه باغو

هفدهم ماه اکتبر خبر رسید یک نفر قزاق روس در قراسو مست بوده یابوی خود را سوار شده می رود زیر حد قریه باغو، شش فرسخی مغربی در نسق شلتوکزار چند نفر